

باغی پر از شکوفه

اعظم خجسته

www.ketab.ir



عنوان و نام پدیدآور: باغی پراز شکوفه / اعظم خواجمااف (اعظم خجسته)،
سرشتلشه: خجسته، اعظم، ۱۹۵۵ - ۲۰

مشتضات نشر: تهران: نامونته، ۱۴۰۱.

مشتضات ظاهری: ۱۴۲ ص: ۲۱۵۱۴ س: ۳

شابک: ۷-۷-۷۹-۹۳-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: چاپ دیگر: ترنجستان، ۱۴۰۱.

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian poetry -- ۲۰th century

رده بندی کنگره: PIRA۰۴۰

رده بندی دیویی: ۸۵۱/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۹۵۸۶۰

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

www.ketab.ir



انتشارات نامونته

نام: باغی پراز شکوفه

سراینده: اعظم خجسته

چاپ یکم: اسفند ۱۴۰۱

شماره: ۰۱۰۰۱۸

شمارگان: ۸۰۰ نسخه

شابک: ۷-۷-۷۹-۹۳-۶۲۲-۹۷۸

چاپخانه: هدی

صحافی: ترنج

طرح جلد: سیلوش برادران

۳۳

فهرست

- ۱۱ رود شو، آب ایستاده نشو،
 ۱۳ پادشاه دل نباشی، تخت و تاج افسانه است،
 ۱۵ من به جایی رسیده‌ام، که مرا آتش و آب و نور می‌فهمد
 ۱۶ عاشق شدن لیاقت هر بی‌اراده نیست،
 ۱۸ آکنده از امیدم و دل‌مرده نیستم
 ۱۹ ای روحیه‌داران، سخن از روح بگویند
 ۲۰ به لطف یاد تو پر از جوانه می‌شوم، خدا
 ۲۱ چنانکه فصل خزان برگ زرد می‌ریزد
 ۲۲ هر که شر برپا کند در زندگی، شرمند باد
 ۲۳ بادی شدیم و جانب صحرا شتافتیم
 ۲۴ لطفن از درد ننالیم! شفا در راه است!
 ۲۵ شب یلدا، شب چله، شب راز
 ۲۶ شهرها همچو «وادی خاموش»، کوچه‌ها گورهای بی‌مرده
 ۲۷ دوستان، می‌شد کمی از حال دوران گپ زنم؟
 ۲۹ «دلم گرفته، ای دوست» در این محیط بسته
 ۳۰ نگذارید، که سهم دلمان دود شود
 ۳۲ حضورت آن شب، ای بانو سراپا گل‌فشانی بود
 ۳۳ یک غروب قشنگ پاییزی که هوا چون همیشه باران بود
 ۳۴ شب در نگاه روشنم اصلن سیاه نیست
 ۳۵ روزی، که عطر عشق شود گم، چی می‌کنی؟

- ۳۷ شکوه صلح منم، حرف جنگ را ننزید.....
- ۳۸ لبخند بزن تا این، اندوه به سر آید.....
- ۴۰ بهار امسال پردرد و بلور روح بشکسته.....
- ۴۱ زانو بقل گرفته، چرا دل فسرده‌ای؟.....
- ۴۲ نفس سبزه به گلزار و چمن داد خدا.....
- ۴۳ هر کو محمد است پیمبر نمی‌شود.....
- ۴۴ ای همدم و همرازم، ای حضرت تنهایی.....
- ۴۶ گریهی انگورها در جام‌ها.....
- ۴۸ اینجا من و تنهایی، شب‌ها همه شب، یا هوا.....
- ۵۰ نگذار باغ عاطفه بی یاسمن شود.....
- ۵۱ بیگانگی بس است، کمی آشنا شوید.....
- ۵۳ هوای گریه دارم و ولی به دیده آب نیست.....
- ۵۵ از تار و بود آب تو را آفریده‌اند.....
- ۵۷ می‌ریزد از لبان تو بس نازنین غزل.....
- ۵۸ مجنون شعر امروز اصلن جتون ندارد.....
- ۵۹ امشب قلم گم کرده‌است، در دفترم راه غزل.....
- ۶۱ دو زلف تو را من غزل می‌کنم.....
- ۶۲ دمی که نگاهت غزل می‌شود.....
- ۶۴ تا تو هستی و غزل هست، من و تو هستیم.....
- ۶۵ چیست روزه؟ یک نبرد تن به تن.....
- ۶۷ دلم به لطف غمت پیر شد، دگر نبیا.....

- جای این پنجره‌ها کاشکی دیوار نبود ۶۸
- غزل برای دل داغدار خواهم گفت ۷۰
- در سر تربت تو با دل پر خون ماییم ۷۲
- آن شاعرم، که شعر ترم نان نبوده‌است ۷۴
- بی تو عادت کرده بودم، ناگهان باز آمدی ۷۶
- آمد، نشست پهلوی یک بید، موسفید ۷۸
- ز باغ و هر درخت خانه‌ام بوی پدر آید ۸۰
- «فکر می‌کردم عزیزم، دیدم اصلن نیستم» ۸۲
- پر از دردم، پر از زخمم، کجایی مادر پیروم ۸۴
- بیم آن دارم، که خرافان موفی می‌شوند ۸۵
- تو یک دلیل اینهمه بیداری منی ۸۷
- رفتم سر مزارت، رفتم که جان سپارم ۸۸
- یک غزل دور از کنارت مانده‌ام، کی می‌رسی؟ ۸۹
- خانه‌ای خالی و هر شب عالمی سودا چنین ۹۰
- زندگی بشتافت، یا من؟ ۹۲
- من آمدم به خانه‌ات، مادر کجایی تو؟ ۹۳
- بادی محبت را در پیاله‌ی هوشم ۹۴
- من زمستان وطن را یاد کردم ۹۵
- برگ خزان رقصان شده در باده‌ها ۹۷
- من خودم را گریه کردم، تا لبم خندان شود ۹۸
- خوشخرامی خنده‌ای تقدیم کرد ۹۹